

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی



سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

بهمن ماه ۱۳۵۴

سال اول ، شماره ۱۱

نانجیب ترین حکومت دنیا

آین عنوانی است که روزنامه فرانسوی لوموند از متن اعتراضنامه "ناش-واتکسون" استخراج کرده و با حروف درشت در بالای اعتراضنامه نسبت به کشتار ۱۰ نفر جوان میهن پرست ایرانی قرار داده است. وقتی کار بجائی برسد که حتی روزنامه معتبر بورژوازی فرانسه حکومت شاه را نانجیب ترین حکومت دنیا بخواند، باید فهمید که هر این حکومت تا جایی بلب بام رسیده که بورژوازی فرانسه نیز بته چار برای آینده خود در ایران در فکر باز کردن جای پائی است.

ولی این نانجیب ترین حکومت بریاست محمد رضا شاه پهلوی؛ در عین حال دزد ترین خائن ترین و نیز خونخوار ترین حکومت نیز هست که عملکرد شکنجه گران و آدمکشانش فقط در مدت ۳ هفته از ماه جاری ۲۵ نفر کشته از جمله ۳ نفر زن است؛ تیرباران ۱۰ نفر در تهران منجمله یک زن، تیرباران چهار نفر در کرمان بمناسبت سفر شاه بمعادن مس سرچشمه، تیرباران دو نفر دیگر در تهران، کشتار ۵ نفر در تبریز در کوچه و خیابان، قتل ۴ نفر دیگر باز در کوچه و خیابان در شهرهای ساری، آمل، گرگان و تهران.

۲۵ قتل در مدت ۲۱ روز — نانجیب ترین و زودترین و خائن ترین حکومت — رکورد آدمکشی را هم شکسته است.

هدف از این خوشسوار گوی سوری ناپذیر چیست؟ هدف نه یکی بلکه متعدد است. حکومت محمد رضا شاه که روی ضحاک را سفید کرده، همراه با سلب هرگونه آزادی

و ابتدائی ترین حقوق انسانی اهالی ایران ، وضع اقتصادی اجتماعی ، فرهنگی و اخلاقی کشور را چنان در هم ریخته که خشم آتشین عمومی را نسبت به -پیش برانگیخته است- این خشم فرزوان بگونه های مختلف بروز میکند . هدف شاه از قتل و کشتار خاموش کردن این آتش خشم عمومی بوسیله ارعاب است . ولی این وسیله ایست که فقط ابلهان آنرا موثر تصور میکنند .

اخبار موثقی حاکی است که شاه مجدداً با کنسرسیوم بین المللی نفت وارد مذاکره وزد و بند محرمانه شده تا قرار داد امتیازی کنونی را بسود کنسرسیوم " اصلاح " کند و یا قرارداد جدیدی منعقد کند . شاه تا کنون دو بار ، یکبار بسال ۱۳۳۳ با لغو عملی قانون ملی شدن نفت و امضاء قرارداد امتیازی برای مدت ۲۵ سال ، و بار دیگر در سال ۱۳۵۲ با امضاء قرارداد امتیازی بر مبنای پیشفروش تمام نفت خام کشور به " ۷ خواهانها " مخائنانه بزرگترین منبع ثروت ملی ما را به امپریالیسم نفتخوار تقدیم کرده است . او اینک در صدد خیانت تازه دیگری است که فعلاً در سریت سرهمبندی میشود .

مردم ایران که از کارنامه نفتی شاه بخوبی مطلع اند ، نمیتوانند نسبت به این خیانت جدید بی اعتنا بمانند و بهمین دلیل شاه برای پیشگیری از ترکش احتمالی اعتراض مردم وسیله ارعاب را برگزیده ، دست بکشتار میزند .

قرار داد امتیازی نفت در سال ۱۳۳۳ همزمان با تیرباران گروه گروه افسران توده ای امضاء شد . قرار داد پیشفروش امتیازی نفت در سال ۱۳۵۲ پس از یکرشته قتل و اعدام جوانان میهن پرست منعقد گردید و اینک کشتار ۲۵ نفر در مدت ۳ هفته نشان از تدارک خیانت تازه ای در زمینه نفت دارد .

سبب دیگری که برای این درندگی بی ساس با نجیب ترین حکومت میتوان ذکر کرد ، جشن های ۵۰ سالگی حکومت استبدادی سراسر خیانت و سر تا پا نکبتبار خاندان پهلوی است . آنها با تیرباران پسران و دختران میهن پرست در کوچه و خیابان و یا بستن آنها به چوبه های اعدام تدارک می بینند .

پس شاه از ترس انفجار خشم مردم ، برای خوشرقصی تازه ای در برابر کنسرسیوم بین المللی نفت و ضمناً برای تهیه جشنهای حکومت رذل ۵۰ ساله پهلوی ، شکنجه میدهد میکشد ، میدزد و میخندد .

ولی ضرب المثلی میگوید " آنکس خوش میخندد که آخر بخندد " و این خندیدن آخرین خندیدن مردم پیروز مند ایران بر نا نجیب ترین حکومتها خواهد بود . همه عوامل داخلی و خارجی نشانی از سقوط حتمی حکومت پهلوی دارد .

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم شاه مبارزه کنیم

برای نخستین بار در ایران يك زن دیرباران میشود



رژیم فاسد و تبه‌کار شاه برای اولین بار در تاریخ ایران سینه زنی را با گلوله‌های جلادان خود شکافت. این زن میهن پرست منیژه اشرف‌زاد مکرمانی است. او با نه نفر دیگر از مجاهدین خلق در روز ۴ بهمن به چوبه اعدام بسته شد.

مقارن با همین زمان دو زن میهن پرست دیگر در حوالی تبریز بنا به ادعای ساواک در يك پر خورد نظامی "بدست آدم‌مکشان مزدور شاه کشته شدند. البته هنوز معلوم نیست که کشتار این دو زن واقعا در "زد و خورد خیابانی" و یا در زیر شکنجه انجام گرفته است.

رژیم محمد رضا شاه در زمینه‌های بسیاری دوی سبقت را از نابکارترین حکومت‌های تاریخ ایران و نیز تاریخ جهان ربوده است: دزدی و شوه‌خواری، خیانت بمناقص ملی، قساوت در جنایتکاری، قانونشکنی، تا حد ارتقا ترویز بسطیح سیاست دولتی. شکنجه زندانیان در بند، هتک ناموس و فیرو و الاخر. محمد رضا شاه با بستن زنی بچوبه اعدام فهرست تبه‌کارهای خود را بکمال رساند. جالب اینجاست که این جنایت در سالی ارتکاب یافت که خود شاه، زتش فرح و خواهرش اشرف در هر وقت و بی وقت برای تساوی حقوق زنان با مردان سنگ بر سینه می‌زنند و گریبان چاک میدهند. فرومایگی را می بینید؟

واقعیت اینستکه رژیم درنده محمد رضا شاه یکانه مساواتی که برای زنان با مردان قائل است و آنرا عملی می‌سازد بستن بی تبعیض آنها بچوبه اعدام است. در تاریخ پرافتخار مبارزات خلقهای ایران، زنان همیشه همگام با مردان بوده‌اند. چه در اعتصابات، چه در تظاهرات سیاسی خیابانی و چه در اشائه فرهنگ آزاد یخوب.

زنان ایران همیشه فعال بوده اند . بسیاری از زنان ایرانی در سپاهچال های رژیم شاه هم اکنون در پندند . دها تن از آنان ب حیوانی ترین وجهی شکنجه شده اند و یکی از آنان - مرضیه اسکویی - در زیر شکنجه دژخیمان حرفهای جان سپرده است . مردم ما در تاریخ چند هزار ساله پر رنج خود ، انواع اراذل و جنایتکار بنام شاه و بر تخت سلطنت بر خود دیده اند ولی این نخستین باریست که شاهی زنگش می بینند . وحشیگری تا این حد خود علامت آنست که این شاه تبهکارترین تبهکاران است .



حقوق دانان معترضند

سه شنبه ۶ ژانویه ۱۹۷۶

وکلائی دادگستری امضاء کنند و ذیل که همگی برای انجام ماموریت های تحقیقی قضائی به ایران رفته اند ، علیه ده حکم تازه ای که در تهران صادر شده است اعتراض میکنند .

این امضاء کنندگان یکبار دیگر شکنجه گری سیستماتیک رژیم ایران را که بصورت شیوه حکومتی درآمده است افشاء میسازند . آنها یکبار دیگر خصلت محاکمات شرم آور در بسته بی راکه در دادگاه های نظامی ایران جریان دارد و نمایشگر یک تروریسم واقعی دولتی است یادآور میگردد .

امضاء کنندگان ذیل یکبار دیگر تشخیص میدهند که به متبیین به تروریسم هرگز اجازه داده نمیشود . چه درباره اعمال انتسابی و واقعی بودن آنها وجه در مورد دلائل احتمالی انتسابات مزبور بطور علنی توضیح دهند .

وکلائی امضاء کنند ، برآنند که سکوت مقامهای ایرانی که بطور سیستماتیک در برابر ناظرین بین المللی اعمال میگردد خود بمنزله اعتراضی بر بزهکاری این مقامهاست .

نوری آلپالا ، ایوبودلسو ، کریستیان بورگسه ،
برنارگوسته ، فرانسواز روزلار ، بسزیه ، برتران
والست .

افشاء رژیم فاشیستی شاه در جهان

اعتراضات افکار عمومی نسبت به تروریسم دولتی رژیم شاه ایران، در کشورهای مختلف جهان اشکال گوناگون دارد. روزنامه های احزاب کمونیست، نشریات سندیکاها، کارگری، اعتراض نامه های سازمانهای قضائی، احزاب سوسیال دمکرات و بالاتر از آن حتی برخی محافل بورژوازی کشورهای رشد یافته سرمایه داری، رژیم شاه ایران را همچون رژیم آدولف هیتلر و فاساد میخوانند.

در شماره گذشته "آرمان" برخی از اخبار مربوط با اعتراضات جهانی برضد کشتار ده جوان میهن پرست ایرانی را درج کردیم. در این شماره چند خبر قابل توجه دیگری به خوانندگان ارائه میدهم.

— احزاب سوسیالیست اروپای جنوبی (ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و فرانسه) که در پاریس کنفرانسی تشکیل داده بودند، به قانون شکنی های قضائی معمول در رژیم ایران و کشتار خودسرانه متهمان سیاسی اعتراض کردند و احیاء موازین قانونی حقوق بشر را در ایران مطالبه نمودند.

— روزنامه فرانسوی لوموند در شماره سوم ژانویه اعتراض نامه دو شخصیت انگلیسی از اعضاء کمیته پارلمانی بریتانیا برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران، به نامهای بیل ناش (Bill Nash) و جون واتکینسن (John Watkinson) را چاپ کرده است. این دو شخصیت انگلیسی که عضو مجلس عوام آند در تابستان گذشته بنام کمیته نامفروضه بایران رفتند تا از زندانیان سیاسی بازدید کنند و ولی وزیر دادگستری آنها را نزد دادستان نظامی، دادستان نظامی آنها را به وزارت خارجه، و وزارت خارجه آنها را به وزارت اطلاعات روانه کردند و سرانجام سرگردان و عصبانی از پشت دیوار قطور زندانها به درون آنها راه نیافتند.

در اعتراض نامه آنها که در روزنامه لوموند چاپ شده، شرحی از دادگاههای نظامی در پست و فرمایشی آمده که در آنها حتی اگر وکیل مدافع سخنی در دفاع از موکسل خود بگوید خود او دستگیر و زندانی میشود.

آنها مینویسند که اعدام در ایران امر معمولی است و شکنجه زندانیان امری عادی. در پایان اعتراض نامه چنین میخوانیم: "مایه تاسف بسیار است که اجرای اعدامهای متوالی در ایران نفرت افکار عمومی جهان را کم و آسویون های بین المللی را کمتر برمیانگیزد در حالیکه در مورد اعمال نظیری مثلاً در اسپانیا، افکار عمومی جهانی به هیجان نیاید. اما بنظر ما ایران دارای یکی از ناسنجیب ترین رژیم های دنیا است."

— روز یکشنبه اول فوریه در برنامه اول تلویزیون آلمان فدرال فیلمی نمایش داد و شد که در آن صاحبه ای با چند نفر از محکومین بمرگ صحنه سازی شده بود. در این فیلم محکومی در پاسخ به پرسش های شخصی پنهانی از اعتقادات و عملیات گذشته خود ابراز پشیمانی میکرد و حکم دادگاه نظامی را "صادقانه" میخواند. در فیلم یک صحنه سازی فجیع از افراد خانواده ای که یکی از فرزندان آنها سرخیست شده بود با ضجه مادر و گریه پدر نشان داده شد.

گوینده تلویزیون تصریح کرد که این فیلم را ساواک ساخته و معذبانه معرض نمایش گذاشته و سپس در تفسیر چنین افزود:

این فیلم نشان میدهد که سازمان امنیت ایران از این عمل هم پروائی ندارد افراد محکوم بمرگ و در انتظار اجراء حکم اعدام را لحظه ای قبل از مرگ بعنوان آلت دست رژیم وارد صحنه کند.

ولی این فیلم چیزهای بسیاری نشان نمیدهد از جمله آنکه:

۱- محاکمات سیاسی در ایران در دادگاههای نظامی صورت میگیرد بدون آنکه متهمین وسیله کافی برای دفاع داشته باشند. در همین دادگاهی که از آن گفتگو میروید هیچ ناظر بیطرف قضایی نتوانست راه پیدا کند. یک وکیل مدافع که سازمان بین المللی غو بهمین منظور به تهران فرستاد اجازه نیافت در دادگاه حضور یابد. اگر همه چیز چنان بود که در فیلم نشان داده شد همی چیز او را به دادگاه نواهد ندادند؟

۲- طبق تخمین سازمان بین المللی غو از آغاز سال ۱۹۷۲ تاکنون بیش از سیصد نفر در ایران اعدام شده اند.

۳- گزارشهای متعددی راجع به اعمال شدیدترین شکنجه ها نسبت بزندانیان سیاسی به سازمان بین المللی غو رسیده که نشان میدهد شکنجه کردن مخالفان سیاسی از شیوه های حکومت شاه در ایران است.

دولت ایران منکر آنستکه در این کشور شکنجه صورت میگیرد. بهمین جهت نباید مجدداً از شاه خواست به یک کمیسیون بین المللی اجازه دهد پایران سفر کند و بدون مانع بتواند به مشاهده و بررسی زندانهای ایران و دادگاههای سیاسی بپردازد.

در پایان تفسیر فیلم ساواک گوینده تلویزیون آلمان فدرال چنین نتیجه گرفت:

"رژیم فرانکو در مقایسه با رژیم شاه رژیم انسان دوستی است."

از هر امکانی برای افشاگری رژیم منغور شاه استفاده کنیم

یک تولد فرخنده

بنا به اطلاعی که به آرمان رسیده است در فرانسه سازمانی بنام "انجمن دوستی و همبستگی با مردم ایران" تشکیل شد. نقش و هدفها و خواست این انجمن از طرف بهازماند هندکان آن چنین بیان میشود:

"انجمن برابر با مقررات قانونی کشور فرانسه و برطبق ضوابط قانون مصوبه داول ژوئیه سال ۱۹۰۱ رسماً شخصیت حقوقی پیدا میکند. انجمن دارای اساسنامه ایست که موسسین و همه شخصیتهای حقیقی و حقوقی کدرآینده بدان خواهند پیوست طبق آن رفتار خواهند کرد."

برخی از پایه گذاران این انجمن عبارتند از: ویلیام کاروشه، ژان میشل، ایو بوولو، سی اورانج و نوری آلبالا. همه این شخصیتها وکلای دادگستری معتبر و برجسته جامعه فرانسه میباشند. از بنیان گذاران این انجمن نیز آندره ای آرشیو آرشیو است.

تردید نیست که تشکیل این انجمن موجب خواهد شد موج همبستگی جامعه فرانسه با مبارزات مردم ایران علیه تبهکارهای رژیم شاه و قانون شکنی های آن اوج تازمائی گیرد. همبستگی فعال و موثر افکار عمومی بویژه برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران تا کنون بسیار شمر بخش و مطمئناً پس از تشکیل این انجمن کاربرتر خواهد شد. این مرحله نوینی در مبارزه نیرومند و موثر محافل شرقی فرانسه و افکار عمومی این کشور علیه شیوه های فاشیسم گرایانه رژیم شاه و همدردی با مردم ایران بشمار میرود.

این انجمن برای تجهیز افکار عمومی جهان بویژه فرانسه نیاز به اطلاعات و اسناد حاکی از قانون شکنی ها و تبهکارهای رژیم شاه دارد. از اینجهت توصیه میکنیم اسناد و اطلاعات روشنگری که در اختیار دارید با درس زیر ارسال کنید.

RUE du Rona 5

Paris

France

دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران انتظار دارد که مبارزان صدیق ایرانی مقیم خارج از کشور با تمایز با شخصیتهای دمکرات کشورهای مقیم خود اقدام به تشکیل چنین سازمانهایی جهت تجهیز افکار عمومی این کشورها علیه رژیم شاه نمایند.

اعتصاب ۳۴۰۰ کارگردار اصفهان

پیکار خلقهای کشور ما با رژیم دیکتاتوری شاه اوج میگیرد. مردم میهن ما و در پیشاپیش آنها طبقه کارگر در مقابل رژیم شاه قد علم میکند و خود را برای صافهای قطعی آینده آماده میسازد. اخبار مبارزات کارگران در ایران قطع نمیشود. و بسا وجود سمیت ساواک شاه و ترور دولتی حاکم و پیروزی های چشمگیری ننگین این نبرد ها میگردد. در آرمان شماره ۹ خبر "پیکار پیروز" کارگران "جهان چیت" کرج به اطلاع خوانندگان رسید و قبل از خشک شدن جوهر قلبه و کارگران پیکار جوی گسارخانه نساجی شهنواز در اصفهان پرچم "پیکار پیروز" را بر دوش گرفتند. آنها یکبار دیگر به همه مبارزان ضد رژیم و از جمله جوانان و دانشجویان رزمجوی ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری، راه پیکار تسوده یی را برای دست یابی به خواستهای مطالباتی و سیاسی آموختند. جریان پیکار پیروز از این قرار است:

در کنارخانه نساجی شهنواز ۱۴ هزار کارگر مرد و ۸ هزار کارگر زن در سه نوبت کار میکنند. بیش از یکسال بود که سود ویژه کارگران بتاخیر افتاده بود. هرچه کارگران اعتراض میکردند صدای آنان سحای نیبرسید. سزا نجام گارد به استخوان کارگران رسید و آنها با خواست پرداخت فوری سود ویژه معوقه خود دست به اعتصاب زدند. روز اعتصاب کارگران از صبح در خیابان جلوی کارخانه اجتماع کردند. کارخانه بر سر راه بسیاری از کارخانه های دیگر اصفهان و همچنین دانشگاه اصفهان است. تجمع چندین هزار کارگر کارخانه نسا جسی شهنواز و حق طلبی مصمانه آنها در بین تمامی کارگران اصفهان و نیز دانشجویان باز تاب گسترده یی یافت.

ساواک که از امکان سرایت اعتصاب به کارخانه های دیگر متوحش بود، بلافاصله خود راهبهای یورش به کارگران اعتصابی کرد. اما کارگران که بموقع متوجه خطر شدند به داخل کارخانه رفتند و پشت ماشین ها قرار گرفتند و ولی اعتصاب راهچنان ادامه دادند.

خبر اعتصاب در شهر پیچید و دامنه آن به کارخانه صنایع پشمبافی کشید. در این کارخانه نیز ۱۲ هزار کارگر بکار اشتغال دارند و آنها نیز به تبعیت از برادران خود و برای دریافت سود ویژه معوقه دست به اعتصاب زدند.

مدیران کارخانه شهنواز که از وسعت و دامنه اعتصاب به وحشت افتاده بودند بسا دستپاچگی با تهران تماس گرفتند و کسب تکلیف نمودند. از تهران بانها دستور

داده شد که معادل ششماه یعنی نیمی از سود ویژه عقب افتاده کارگران را به آنها بپردازند و غائله را ختم کنند .
کارگران اعتصابی وقتی از این خبر مطلع شدند تصمیم گرفتند دست از اعتصاب بکشند و پس از آنکه سود ویژه ششماه خود را گرفتند برای مابقی آن به مبارزه تازه ای دست بزنند .

در جریان اعتصاب اعلامیه های روشنگر و افشاء کننده ای از طرف حزب توده ایران در میان کارگران اعتصابی پخش شد و مورد استقبال شدید آنها قرار گرفت . حتی پس از خاتمه اعتصاب این تراکت ها در میان کارگران دست بدست میگشت . ساواک از این جریان مطلع شد و به کارخانه حمله برد و چندصد نفر را بازداشت کرد .

بازداشت این عده خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت و آنها دوباره دست از کار کشیدند و این بار خواستار آزادی همکاران خود شدند .

استمرار مقاومت کارگران ، ساواک را به عقب نشینی واداشت و پس از چند روز اکثر کارگران بازداشت شده آزاد شدند .

این مبارزات یکپارچه و موفقیت آمیز تاثیر عمیقی در کارگران برجای نهاد و به اینک اکنون هفته ها از اعتصاب میگذرد هنوز شور و هیجان و آمادگی پیوسته ای مبارزات گسترده تر به وضوح در بین کارگران دیده میشود .

نکته برجسته این پیکار پیروز کارگران کارخانه های نساجی شهنواز و صنایع پشمبافی آنستکه اعتصاب بسرعت از مرحله خواستهای مطالباتی - پرداخت سود و - - - عقب افتاده - - - به خواست سیاسی آزادی رفا، بازداشت شده ارتقاء یافت .

تحول مبارزات اعتصابی کارگران اصفهان از مبارزه مطالباتی به مبارزه سیاسی همراه با دیگر مبارزات اعتصابی طبقه کارگر که همواره رشد و گسترش مییابد گویای این حقیقت بزرگ دانستنی است . نقش طبقه کارگر ایران در حیات سیاسی و اجتماعی کشور هر روز بطور چشمگیر فزونی مییابد . چون این نیروی نیروی عده و اساسی برای واژگون کردن رژیم شاه و تحول انقلابی در ایران است، بنا براین جوانان و دانشجویان مبارز و میهن پرست وظیفه دارند که نیروی خود را با نیروی این طبقه کارگر پیوند دهند و شیوه های توده ای مبارزه ضد رژیم را از مبارزات فزاینده کارگری بیاموزند .

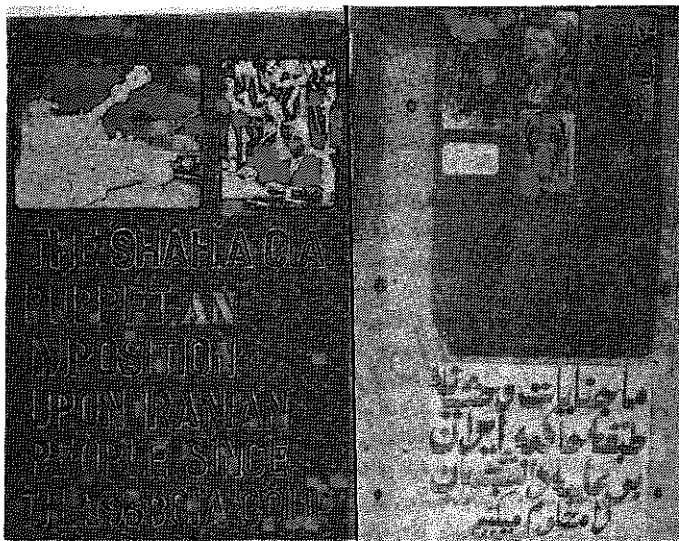
* * *

در لحظه ای که این شماره آرمان را می پستیم ، خبری دریافت کردیم که کارگران نفت در جنوب دست به اعتصاب نشسته زده اند . با دریافت اطلاعات تکمیلی امید داریم بتوانیم خوانندگان آرمان را در شماره آینده از کم و کیف این اعتصاب نیز آگاه کنیم .

در امریک کارزار ضد رژیم گسترش مییابد

فعالیت‌های افشاگرانه

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



نمایشگاه عکس در دانشگاه لوس آنجلس

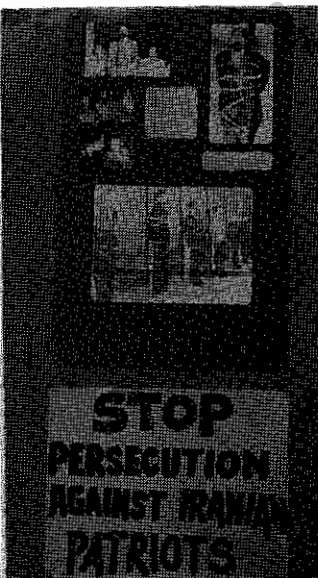
بمناسبت سالروز ۱۶ آذر، روز هبستگی و مبارزه دانشجویان میهن پرست علیه نظام سیاه استبداد، جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نمایشگاه عکس از کار و پیکار مردم ایران در دانشگاه شهر لوس آنجلس و جنوب کالیفرنیا ترتیب دادند که مورد بازدید بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان آمریکائی و دیگر خار جیان قرار گرفت. عکس های گویائی از رژیم ترور و اختناق شاه، تیرباران میهن پرستان و زندگی مردم زحمتکش ایران در این نمایشگاه نشان داده شد. همزمان با نمایشگاه عکس، اعلامیه افشاگرانه ای درباره رژیم فاشیستی ایران و وضع زندانیان سیاسی بطور وسیع پخش شد.

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران توانستند مقدار قابل توجهی امضاء برای زندانیان سیاسی و احیاء آزادی های دمکراتیک در ایران جمع آوری کنند.

امضاء های جمع آوری شده به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال شد .

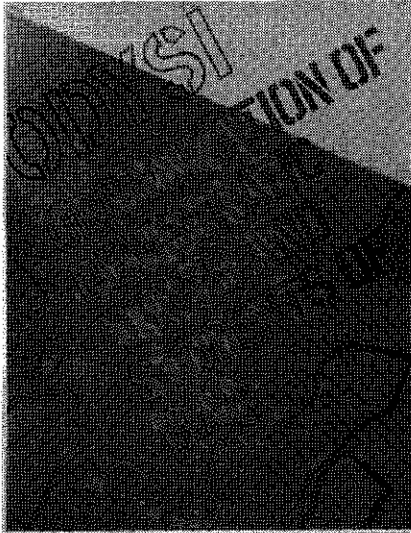


از طرف جوانان و دانشجویان دمکرات ایران یک جلسه سخنرانی در دانشگاه مزبور در روز ۷ دسامبر ترتیب داده شد . در این سخنرانی که تعداد زیادی آمریکائی شرکت کردند ، نماینده سازمان و دانشجویان و دانشجویان دمکرات ایران ، حاضرین در جلسه را از وضعیت ایران و رژیم فاشیستی شاه آگساز ساخت . سخنرانی در باره کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش " سیا " در آن ، رژیم پلیسی ایران ، اعمال وحشیانه ساواک و مبارزه مردم علیه امپریالیسم رژیم دیکتاتوری ، وضع زندانیان سیاسی ، و نقش سازمان امنیت در متلاشی ساختن سازمانهای دانش جوئی و تفرقه افکنی بین نیروهای ضد رژیم بود . سخنرانی نماینده جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که بطرز جالبی اوضاع ایران را روشن ساخت مورد توجه شنوندگان قرارگرفت



باز بنا به ابتکار "اودیسی" و ۲۵ گروه دیسگر

دمکرات در ایالات متحده در آغاز زانویه ۱۹۷۶ "جبهه متحد برای عدالت در آنگولا"



در لوس آنجلس پایه گذاری شد .
هدف "جبهه همبستگی با مبارزه
خلق آنگولا برهبری ام.پ.ال.آ
و برضد مداخله تجاوزی امپریالیسم
در آن کشور است .

"جبهه" وظائف زیر را در برابر
خود قرار داده است :

۱ - پشتیبانی بی قید و شرط از
ام.پ.ال.آ در مبارزه ضد

امپریالیستی و دو گروه ارتجائی
عامل اف.ان.ال.آ و اونیتا

۲ - مبارزه برای قطع کمک نظامی
و اقتصادی امریکا باین دو گروه

ارتجائی عامل .

۳ - مبارزه برای برسمیت شناختن

فوری ام.پ.ال.آ بعنوان یگانه

نماینده دولت رسمی و قانونی

آنگولا .

۴ - مبارزه برای قطع هر نوع کمک نظامی و صدور اسلحه و مهمات و اعزام مزدور و
" داوطلب " از طرف "سیا" بقصد صدور ضد انقلاب .

۵ - تأیید کمک های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کویا بمبارزات آزاد پیکش
خلق آنگولا برهبری ام.پ.ال.آ .

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از بنیانگزاران

"جبهه ائتلافی برای استقرار دمکراسی در شیلی" است

این "جبهه ائتلافی" همراه با دو سازمان "سازمانهای شیلی دمکراتیک" و "لاک
لاس" در سالن سخنرانی لوس آنجلس برای همبستگی با خلق شیلی جلسه ای تشکیل
دادند و از بانولورا آئینده ، خواهر سالوادور آئینده رئیس جمهور شهید شیلی دعوت
بعمل آمد تا در این جلسه سخنرانی کند . جلسه با نمایش فیلم مستندی آغاز شد که
در آن اعمال وحشیانه حکومت فاشیستی شیلی ، وضع زندانیان سیاسی ، نقش "سیا"
در کودتای فاشیستی سال ۱۹۷۲ در شیلی به معرض تماشا گذاشته شد . سپس بانسو

آلینده طی يك سخنرانی مهیج، از نقش "سیا" در سرنگون ساختن حکومت قانونی و دمکراتیک شیلی از گشتار بیش از ۴۰۰۰۰ نفر از بهترین فرزندان خلق شیلی، از رفتار و حشیانه رژیم کودتای فاشیستی نسبت به هواداران حکومت خلقی آلینده و زندانیان سیاسی و همچنین از تجارب شخصی خویش در دوران اسارت در دست ماموران پلیس مخفی شیلی سخن گفت.

لازم به تذکر است که مائوئیست ها در این جلسه آگاهانه و طبق تصمیم شرکت نکردند و بدینوسیله پیروی خود را از سیاست پکن در پشتیبانی از رژیم فاشیستی شیلی نشان دادند.



سر آغاز گریز از مائوئیسم

در هفته اول ژانویه گروه مائوئیستی پسر که خود را "حزب مارکسیست-لنینیست پرو" می نامید در کنفرانس سالانه خود تصمیم به انحلال "حزب" گرفت.
 از اعضا گروه خواسته شده است که به حزب کمونیست پرو بپیوندند.
 کنفرانس علت این تصمیم را چنین بیان میکند: "کنفرانس باین نتیجه رسید که مائوئیسم بطور عینی در خدمت امپریالیسم است و کوشش میکند انقلابیون را از هم پیمانان طبیعی خود یعنی مجتمع کشورهای سوسیالیستی در سطح جهانی و از جنبش کارگری درون کشور دور نماید".

این واقعه از چند نظر حائز اهمیت است:

۱. مائوئیسم که در ابتدا بصورت پشتیبان خلق های "جهان سوم" وارد مبارزه ضد سوسیالیستی شد اکنون هدف افشاگری همان خلق های "جهان سوم" بعنوان هم پیمان امپریالیسم شده است.

۲. مائوئیست های سابق ولی صادق در اشتباه خویش بمجرد تشخیص مواضع انحرافی مائوئیسم هروری اشتباه خود پافشاری نکرد و این شهامت را در خود می یابند که از راه خطا باز گردند و دوباره صادقانه به جنبش راستین ضد امپریالیستی همه جنبش های راستین پسرولتری بپیوندند.

ما این شهامت قابل ستایش را به این انقلابیون پرو تیریک می گوئیم و آنرا سرآغاز چرخان و روندی در سایر کشورهای بویژه کشورهای "جهان سوم" می بینیم.

لگد مال باد امیر یا لیسیم

ای دهر کهنه کرده سبغ های جوع مند
ای لفته ها و پوزه و انیاب پرگزند
لیسیده خون و باز پی خون بیشتر
حالی ز خوف جسته به کنج کنام خویش
با چشم های ولع بار به ظلمت نشسته تا
در آرزوی خیم خلاصی نشسته این

صحبت سر شاست

ما تاج های شما را

در کابل و آدیس آبه با

کویا و آنگولا

در هرمت ایشلاب

در هم گذاختیم

ما تاج بیشمار

بشکستایم و هر زمان پی تاج دیگریم

مجاهد خشم قرن ها

با مشت قلعه کوپ

با چشم خصم یاب

پی گیر و پیر شتاب

گسترده خاک را به شما تنگ ساختیم

آنروزها که بود خندیدن شما

بر نعره های ما

دیگر بسر رسیدید

اینکه سرود ما است

پسیر زوزه شما

حرمان و بسخن و خشم هگر این سرگذشت ماست

پیروز بر شما شدن ه این سرنوشت ماست

زیرا در این تپرد

ما غیر گنج و رنج

چیزی نیبریم چیزی نباختیم

ساعری

۴ بهمن ۱۳۵۴

سیاست نظامیگری منبع فلاکت و منشاء خطر

دو فقره از معاملات شاه برای خرید اسلحه که اخیراً انجام گرفته، یکی بمبلغ ۸۰۰ میلیون نپهره استرلینگ (۲ میلیارد دلار) بطور عمده برای خرید کشتی جنگی از انگلستان و دیگری معامله خرید ۱۰ فروند هواپیمای رادار دار از نوع بوئینگ ۷۰۷ به قیمت هر یک فروند ۱۸۷ میلیون دلار، جمعاً یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار است. اگر قیمت ۱۲ ناوچه موشک‌انداز نیز با مهمات آنها که بفرانسه سفارش شده بر ارقام آن دو معامله بیفزائیم، مبلغی در حدود ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار خواهیم داشت.

چه مبلغ از این ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به حساب "همایونی" واریز شده، دقیقاً معلوم نیست، ولی معلوم است که بوئینگ‌های شاه هر کدام را ۱۸۷ میلیون دلار خریداری فرموده‌اند. توسط فروشنده هر فروند بمبلغ ۶۰ میلیون دلار به "ناتو" پیشنهاد شده ولی "ناتو" هنوز در خرید آنها مردد است. پس باین حساب شاهنشاه از هر هواپیما دو سوم آنرا بلیغ فرموده‌اند و بحساب دیگری که قیمت این هواپیما را برای بازار "آزاد" ۱۲۰ میلیون دلار قلمداد کرده "جانشین کورش" از هر یک فروند فقط ۶۷ میلیون دلار و جمعاً از این معامله ۶۷۰ میلیون دلار دزدیده است.

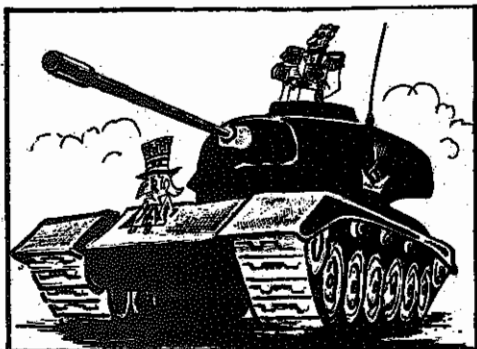
در همین روزهای اخیر روزنامه‌های "زبان بسته" ایران "مژه" دادند که نخستین جنگنده از نوع اف-۱۴ تحویل ارتش ایران شده است. این جنگنده‌ها بایک حساب هر یک ۱۱ میلیون دلار و با حساب دیگری هر یک ۱۵ میلیون دلار قیمت گذاری شده است. ولی "علمدار ضد فساد" هر یک از آنها را ۳۰ میلیون دلار بحساب گویه و ۸۰ فروند از آنها سفارش داده و از این معامله نیز فقط یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار دزدیده است.

هزینه نظامی ایران بنا به محاسبات "موسسه تحقیقات استراتژیک" (لندن) برقم نجومی ۱۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در سال رسیده و از این مبلغ حدود ۳۰٪ بحیب شاه بعنوان دلال اعظم و عمده خر سرازیر میشود. تصدیق باید کرد که تا کنون هیچ شاه و شاهنشاهی حتی پدر "رهبر خردمند" با چنین مقیاسی دزدی نکرده است.

ولی مسئله دزدیهای شاهانه و لفتو لیسهای "میلیونی" دیگر افراد خانوادہ سلطنتی و چاکران درباری تنها یک طرف قضیه و نه مهمترین طرف آنست. مهمترین

طرف قضیه موضوع میلیتاریزاسیون در ایران یا سیاست نظامیگری تجاوزوی است. این میلیتاریزاسیون که از طرف امپریالیسم امریکا و بدست شاه در ایران ما اجراء میشود از یکسو مایه فلاکت و از سوی دیگر منشاء خطر جنگ خانمانسوز است.

اگر در نظر بگیریم که درآمد نفت ایران در سال ۱۳۵۵ مبلغی در حدود ۱۱ تا ۱۳ میلیارد دلار خواهد بود و اگر توجه کنیم که غیر از مخارج اعلام شده نظامی و در فصول غیر نظامی بودجه مبالغ هنگفتی هزینه‌های نظامی (جاده استراتژیک و فرودگاه بندر پایگاه نظامی و غیره) نهفته است، عین نتیجه مخوف میرسیم که درآمد ایران از نفت یکسره بمصرف ارتش میرسد که بنا بگفته خود "ژاندارم منطقه" وظیفه اش پاسداری از صدور نفت است. بحسب آن دیگر درآمد نفت برای تضمین تحویل نفت مصرف میشود و یا بسخن دیگر نفت ایران یا بصورت نقد و یا بصورت خرید اسلحه، هزینه مستشاران نظامی، پایگاه‌سازی و غیره یکسره به امپریالیسم نفت خوار و خونخوار تحویل میشود. در یک چنین وضعی با در نظر گرفتن اینکه صادرات غیر نفتی ایران ۵٪ واردات است و رقم واردات به ده میلیارد دلار رسیده، آنگاه کمترین تعجیبی جایز نیست وقتی مشاهده میشود که تولید کشاورزی کشور دچار رکود شده، گرانی توأم با تورم ارزش اسکناس را تا حد قیمت کاغذ آن پائین آورده، و راز زنده آموزش و پرورش بدلیل کمبود بودجه ۵۰ هزار معلم کم دارد و در ایران زیر سایه نکت بار شاهنشاه هنوز ۱۲ میلیون نفر بیسوادند. این خرابکاریهایی تاریخی "بزرگترین خائن تاریخ ایران" هنوز تمام مسئله نیست. جانب مخوف تر آن سیاست تجاوزوی "ژاندارم منطقه" است که تا کنون به شکلی نسبت به عراق به شکل دیگری نسبت به پاکستان و افغانستان و بصورت مدخله نظامی علنی و اعزام ارتش در عمان بروز کرده است.



این نخستین اشکال بروز سیاست نظامیگری تجاوزوی است. در آینده نیز اگر این شاه

و این رژیم با مافوریت و مسئولیت ژاندارم منطقه‌ای امپریالیسم همچنان بر سر کار یعنی برگردن مردم ما سوار باشد این سیاست نظامی گری تجاوزی با اشکال بسیار دهشتناکتری بروز خواهد کرد که در آن صورت شاه "آیند منگر" استراتژی جنگی "زمین سوخته" را (البته بکمک ریچارد هلمز) برای ایران خواب دیده است.

آستر سیاست نظامی گری تجاوزی و تروریسم دولتی در داخل کشور است. شاه برای اینها بتواند جوانان کشور را در آستان منافع امپریالیسم قربان کند ناچار باید محیط خفقان در کشور بسازد، به شیوه‌های فاشیستی حکومت به ترور مردم، در کوچه و خیابان، به شکنجه گران ساواک به دادگاههای فرمایشی در بسته نظامی، به چوبه‌ها، دارو تیرباران متصل شود. اگر یک حکومتی عادی حتی از نوع سرمایه‌داری بر سرکار میبود و مردم لا اقل در چارچوب یک دموکراسی دم بریده قادر به اعتراض میبودند، آنگاه لشگرکشی به ظفار غیر ممکن میشد. تجاوز به خلقهای دیگر یا تجاوز به خلق خود پیوند ناگسستنی دارد و انجام یکی بدون دیگری ممکن نیست.

چرا در ایران کاغذ نیست؟

وزارت آموزش و پرورش مینالد که "این وزارتخانه با مشکل کاغذ روبروست و به همین جهت چاپ کتابهای درسی بتمعویق افتاد است." ولی وقتی مردم میبینند چگونه دستگاههای تبلیغاتی دولت کاغذهای گرانبها را میبلعند و آنها را با نام شامو شهبانو سیاه میکنند باز آناله وزارت آموزش و پرورش بخشم می آیند. امسال در روزهای تولد شاه و فرح و ولیعهد، روزنامه های اطلاعات و کیهان در بیش از صد صفحه منتشر شدند. روزنامه اطلاعات روز سوم آبانماه در ۱۲۳ صفحه بزرگ مانند لحاف کرسی روی بساط روزنامه فروشها قرار گرفت. جز چند صفحه اول و آخر آن همه صفحات از تبریک زورکی بشاه سیاه شده بود، که مردم حتی بانها نگاه هم نمیکنند در روزهای تولد فرح و ولیعهد هم همین بساط تکرار شد. اینها غیر از صدها کتاب و جزوه و نشریه ایست که هر یک از وزارتخانهها موظف اند برای تعلق گوئی از دیکتاتور، خائن ایران و خانواده تنگین او انتشار دهند.

رژیم تجاوزگر شاه به تشنج نیازمند است

روابط ایران با ۷ کشور عربی خلیج فارس (عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان) پستی تیره شده است.

تیرلی ناگهانی روابط رژیم شاه با ۷ کشور عربی خلیج فارس که توأم با فراخواندن سفیر و تهدید و اولتوما توم بروز کرد، بر خلاف ادعای شاه با این دلیل نیست که کشورهای نامبرده در صدد برآمده اند یک خبرگزاری بنام "خبرگزاری خلیج عربی" تشکیل دهند.

خود شاه در مصاحبه با روزنامه کویتی "السیاسیه" گفته است که اولین بار تایمز لندن "خلیج عربی" بکار برده است. ولی این مانع نشده که رژیم شاه بهترین روابط را با انگلستان داشته باشد، متحد نظامی انگلستان در سنتو بعاند، و به افسران انگلیسی در جنگ استعماری عمان، جوانان ایرانی را همچون گوشت دم توپ تحویل دهد.

انوارالسادات هم خلیج عربی میگوید و یک میلیارد دلار از خزانه ایران میگیرد. ملک حسین اردنی نیز خلیج عربی میگوید و این یکی پول همراه با ۲۸ فروند جت جنگی از نوع اف ۵ میگیرد. از همه جالبتر دولت عمان است که یکی از اعضا هفتگانه ز خبرگزاری خلیج عربی "است ولی شاه برای حفظ حکومت سلطان دست نشانده سرپا ز ایرانی قربانی میکند.

بنابراین دعوی شاه بر سر نام خلیج فارس نیست. پس سبب این قهر ساختگی شاه چیست؟

در جستجوی سبب این تغیر ظاهر ناگهانی "دوستی به دشمنی" باید توجه کرد که سیاست رژیم شاه ایران که به اشاره واشنگتن بعدت ۵ سال تحقیق شد و هدفش ایجاد یک اتحادیه نظامی در خلیج فارس بعنوان زائده سنتو برهبری شاه - متحد نظامی امریکا - بود با شکست کامل روبرو شده است. امید به ایجاد این اتحادیه نظامی که با سماجت و با بکار گرفتن همه وسائل تطمیع و تهدید دنبال می شد تا چند ماه پیش در تصور شاه بچنان مرحله ای رسید که در تابستان گذشته روزنامه های ایران "نوید" تشکیل جلسه سران کشورهای خلیج فارس را دادند که گویا در پائیز برگزار میشود تا تشکیل اتحادیه نظامی را اعلام کند و سپس شاه بعنوان ژاندارم امپریالیسم سوار بر اسب مراد از نژاد یانکی در منطقه به تاخت و تاز بپردازد.

ولی قبل از تحقق این آرزو یک جلسه وزیران در ریاض کنار کنفرانس اسلامی و سپس دو جلسه وزیران در نیویورک کنار اجلاس سازمان ملل متحد تشکیل شد و در این جلسات بتعام کشورهای عربی منطقه خلیج فارس تماما آشکار و کاملاً اثبات شد که هر نوع همکاری با رژیم شاه که سایه ای از همکاری نظامی داشته باشد در حکم قبول زنجیر اسارت یک عامل گستاخ امپریالیسم امریکاست.

بعبارت دیگر سیاست توطئه گرانه شاه که به اشاره امریکا مصبرانه دنبال میشد و در شرایط امروزی نمیتوانست کامیاب شود، ناگزیر شکست انجامید .
 اما بدنبال این شکست شاه در اجرا پیگیر "مسئولیتی" که با اعتراف خودش "بر عهد گرفته" نه تنها عبرت نگرفت بلکه در صدد ادامه آن بشکل نوینی برآمد، تا اگر آن اتحادیه تشکیل نمیشود لااقل منطقه را بسختی دچار تشنج کند. از این روست که او ناگهان به بهانه نام "خبرگزاری خلیج عربی" شیپور تیرگی مناسبات و طبل تهدید را بصدا درآورد .

باید دانست که تشنج در یکی از مرزهای ایران، از نظر شاه، برای انحراف افکار عمومی از درد های بی درمان داخلی بخارج لازم است. مدتی این احتیاج او از طریق مداخله در امور داخلی عراق بوسیله تیرگی روابط با این کشور برآورده میشد . در شرایط کنونی تشنج برای رژیم شاه از واجبات است، زیرا اوضاع اقتصادی کشور بر هم ریخته، کشور حتی برای خوراک به واردات وابسته شده، واردات بپول نفت وابسته گردید و پول نفت بر اثر تصمیم کتسرسیوم بتقلیل میزان تولید و نیز بر اثر تقلیل قوه خرید آن بحدی تنزل کرده که پس از تأمین بودجه نظامی تحمیلی ۱۰ میلیارد دلاری ایران، چیز قابل ملاحظه ای از آن باقی نماند و بنا بر این رژیم شاه بسرعت بسوی يك بن بست سیاسی و اقتصادی پیش میرود . در چنین شرایطی مردم، نه فقط زحمتکشان و نه فقط قشر روشنفکران-میهن پرست بسختی ناراضی و خشمگینند. بلکه ناراضی حتی به طبقه حاکمه سرایت کرده و رژیم شاه پایگاه طبقاتی خود را با سرعتی روز افزون از دست میدهد. در این شرایط برای شاه يك جنجال خارجی لازم است تا افکار عمومی را بسوی آن منحرف ساخته و نیز به بهانه آن محیط خفقان شدید تری در کشور بوجود آورد .
 و اما اقدام کشورهای عربی خلیج فارس به تاسیس خبرگزاری بنام "خلیج عربی" حاوی دو موضوع قابل دقت است .

یکی موضوع نام گذاری "خلیج عربی" . این نامگذاری در ۱۵ سال پیش بعنوان واکنش در برابر تحریکات شاه در مصر عنوان شد و سپس بسرعت در بین اعراب رواج یافت .
 موضوع دیگر، موضوع تشکیل خود خبرگزاری است که همراه با اقدام دیگری از طرف کشور عربی خلیج فارس (همان کشورها غیر از عمان) با ایجاد يك شرکت کشتیرانی، حاکی از اتخاذ مشتی از جانب کشورهای مزبور بسوی همکاری و اتحاد است . مضمون و هدف این گرایش را هنوز نمیتوان مشخص کرد زیرا کشورهای عربی نامبرده از جهات مختلفه داخلی و خارجی ناهمگونند . آنچه در این باره میتوان گفت اینست که سیاست شاه در تحمیل اتحاد نظامی ثمر تلخی بیبار آورده، و واکنش برانگیخته، بجای گسترش دوستی و همکاری در منطقه، تفرقه و نفاق میان ایران و کشورهای عربی افکنده و باعث شده است که در این میان برخی دستهای ناپاک بتوانند مردم ایران را با رژیم شاه ایران یکی جلوه دهند و بین خلقهای منطقه تخم کین بپاشند .

سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا

تجاوز شاه رادر عمان محکوم کرد

در عدن پایتخت جمهوری دمکراتیک تودهای خلق یمن اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا در چهارمین هفته ژانویه ۱۹۷۶ تشکیل و برگزار شد. این اجلاس پس از بررسی وضع منطقه شبه جزیره عربستان و خلیج فارس و توطئه خونین امپریالیسم و غمالمحلی آنرا در عمان و لشکرکشی شاه ایران ربابین کشور بشدت محکوم کرد و از تمام نیروهای مترقی جهان از جمله از کشورهای آزادی دوست عربی دعوت کرد و پیکار عادلانه خلق عمان را به رهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند.

اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا همچنین وضع آنگولا را مطالعه کرد و اعلام داشت که میهن پرستان آنگولا که به رهبری امپریالیسم برای دفاع از استقلال و تمامیت عرضی کشور خود میروند از پشتیبانی نیروهای پیشرو و مترقی معاصر برخوردارند. اجلاس هیئت رئیسه در قطعنامه‌یی که به این مناسبت تدوین شد برای حمایت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و رژیم های ترقیخواه و مستقل آفریقایی ارزش و اهمیت بزرگی قائل است. در قطعنامه از تمام کشورهای جهان دعوت شده است که مداخله امپریالیستی رادر امور داخلی آنگولا محکوم کند و خروج فوری نیروهای مصلح آفریقای جنوبی و دیگر حامیان گروه بندی های تجزیه طلب عامل امپریالیسم را بخواهند.

اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا همچنین بدنبال بررسی اوضاع لبنان نگرانی خود را از خطرات جدی که هم خلق فلسطین و هم مردم خود لبنان را تهدید میکند ابراز داشته است. اجلاس سازمان اعلام میدارد که سررشته این توطئه خونین در دست امپریالیسم و صهیونیسم است. سازمان همبستگی بین المللی با مبارزه خلق فلسطین و نیروهای میهن پرست لبنان تشکیل شود.

اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا در رابطه با موضوع مداخله نظامی نیروهای بیگانه عامل امپریالیسم در عمان و همبستگی قاطع خود را با کشور جمهوری دمکراتیک خلق یمن در دفع هرگونه دسیسه و توطئه امپریالیستی که علیه این کشور متوجه گردد اعلام داشته است.

ما سازمان دانشجویان و جوانان دمکرات ایران وظیفه خود میدانیم که در پاسخ به مصوبات اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا به ویژه در مورد دسایس امپریالیستی و لشکرکشی ژاندارم منطقه

علیه خلق عمان و نیز در مورد توطئه چینی های امپریالیستی که بر ضد جمهوری دمکراتیک خلق یمن سرهم بندی میشود، بهر شدت مبارزه علیه رژیم شاه و حامیان امپریالیست آمریکایی و انگلیسی او بیافزاییم .

خطما بر این تجاوز فراتر شاه را دعوت و محکوم میکند



چین ما تو همدست امریکا

نماینده دولت ایالات متحده آمریکا روز ۲۷ ژانویه قطعنامه پیشنهادی ۶ کشور عضو غیر دائمی شورای امنیت را که با اکثریت ۹ رای تصویب شد و تو کرد .
 توسل به و تو باختن آبروی باخته بود زیرا قطعنامه ضمن تأیید حق اسرائیل به داشتن حاکمیت درون مرزهای خود ، حق خلق فلسطین را نیز به تاسیس کشور و دولت مستقل خود اعلام میداشت .
 توسل آمریکا به و تو ابراز دشمنی علنی نسبت به خلق فلسطین بود که طبعاً خشم فروزان خلق های کشورهای عربی را علیه امپریالیسم آمریکا بدنیال خواهد داشت .
 نماینده آمریکا قبل از رای گیری تلاش بسیار کرد شاید قطعنامه پیشنهادی اکثریت آراء لازم را نیاورد و تصویب نشود ، تا او از رسوائی توسل به و تو پرهیز کند و در این تلاش مذبحخانه ،
 نماینده آمریکا باز با لیخند رضایت و حمایت نماینده "سگانداز کبیر" روبرو شد .
 نماینده پکن از جلسه برخاست و در رای گیری شرکت نکرد . آری نماینده "صدر مائو" رای نداد به قطعنامه ای که برای خلق فلسطین حق داشتن کشور و دولت مستقلی قائل است .
 آن روزی که (در نخستین سالهای ۶۰) مائوئیسم ماسک انقلابی دو آتش بر چهره زد ، بود احزاب کمونیست جهان هشدار دادند که انحراف چپ به انحراف راست تحول خواهد یافت زیرا این هردو پشت و روی یک سکه قلب اند .
 اینک این حکم مارکسیستی - لنینیستی یک بار دیگر در تحول مائوئیسم از انقلابی افراطی به مرتجع افراطی ، به دستیار "بیسرکافذی" اثبات میشود .
 به تبعیت از این تحول قانونمند است که مائوئیستهای ایرانی نیز بدل به "پاسداران" دار و دسته شاه شده اند .

تخمک آفتابگردان

در مزرعه آفتابگردان، گلها رویه خورشید و سرفراز لبخند می زدند و آفتاب گرم تابستان بیماری آنها دستهای خود را بالا زده بود تا تخمهای بارور شده بزمین ریخته شود و دین آنها به طبیعت ادا شود. با هر نسیمی ولوله در ساقهای بلند آنها میافتاد و سرتابه گمر خم میشدند و دوباره به پامع ایستادند. نه هراسی از سبلی و نه بیم از طوفانی داشتند. تا بکام آنها بود و وقت بهره دادن به زمین.

وقتی درختهای تبریزی و چنار اطراف مزرعه بگوش هم چیزی می گفتند و ایسن گلهای زرد و زیبا را به باد تمسخر می گرفتند، آنها دستجمعی می خندیدند و باز هم به خورشید نگاه میکردند.

روزی که خورشید مستقیم و با تمام قدرتش به زمین نور و حرارت می داد، هر های سیاهی آهسته آهسته روی آسمان را گرفتند و بهم پیوستند و خورشید کوشیده که خود را از دیوهای سیاهی که قصد بلعیدن او را داشتند، نجات دهد، ولی تلاش او بی نتیجه ماند و ماهوس و ناامید به زیر ابرها فرورفت. ناگهان طوفانی شدید برخاسته زمین و آسمان از خاک و غبار تارپک شد. طوفان به هیچ چیز آمان نمی داد و هر چه را که قدرتش میرسید از زمین بلند میکرد و با تمام نیرو به زمین می کوفت. درختان را میشکست. آنطور که صدای ناله آنها تا مسافتی شنیده میشد. دریای پر عظمت را بفزایاد واداه غر شامواج آب لرزه برتن ماهیگیران انداخت.

خنده از لبهای گلهای آفتابگردان محو شد. بوته ها با هر حمله باد سرخم می کردند و عده زیادی از آنان هرگز بر نمی ماندند. جسم خورده شده و شکسته شده شان با خاک و برگی به آسمان بلند میشد و ذراتشان به جایی دیگر پرتاب میشد و به زمین می خورد.

در این میان تخمکی آفتابگردان با حمله باد به آسمان رفت و صدای کسک کسک او در میان همه و غرش طوفان درآمیخت و محو شد.

تخمک چون پرگاهی در هوا معلق بود و به اطراف می چرخید، بالا و پائین می رفت و حشر زده گاهی به اطرافش نگاه میکرد و گاهی هم چشمانش را می بست و با خوشی میگفت: خدا یا چه کنم، به زمین برسم حتما نابود میشوم، به بلندی برسم تصدیق کنم چه خواهم شد. اما پس از مدتی چون دانست که نه فریادش اثری دارد و نه ناامیدی اش صبری، خود را برای حادثه های بعد آماده کرد، جمع جور

شد. وقتی که به زمین نزدیک میشد بفکر این میافتاد، که چطور با سختی آن بجنگد و آنزمان که طوفان او را به آسمان بلند میکرد، برای چیزهای ندیده آماده میشد. وقتی به خاروخاشاکی برمیخورد، از او میپرسید: رفیق چه میشود؟ او هم سرش را به علامت نفی تکان میداد.

و بالاخره از شوره‌زارها گذشته از دریا عبور کرد و طوفان، که کمی فروکش کرده، به سختی بر زمین خورد. از شدت درد فریادی بلند کشید. آی مردم، آی خودشم، به دادم برسید. ولی در آن سرزمین غریبه هیچکس زبان او را نمیدانست که دردهایش را درمان کند و تازه مقداری خاک و خاشاک هم بروی او ریختند و ته مانده نیرویش را گرفتند.

احساس کرد که در این زندان کوچک می‌میرد. یاس و ناامیدی تمام وجودش را در خود گرفته. غصه یاران از دست داده، غم ندیدن آفتاب تابنده و تنگی زندان خاک، کم مانده بود او را ناپود کند، که همتش به فریاد رسید. با خود گفت: صبرکن، تحمل داشته باش. حلاله زنده‌ای، آفتاب هم نمرده، پس کوش کن، همه چیز درست میشود و چون زنده‌ای باید زندگی کنی.

اول امید و بعد حرکت.

با این نیهیب کمی آرام شد. به اطرافش نگاهی کرد، تاریک و تنگ، اما قابل تحمل بود، جایش کوچک بود، اما به او نیرو میداد.

زمانی گذشت. پایش رسید. برگهای زرد درختها تک تک و گاهی دسته‌جمعی به زمین می‌ریختند. ابرهای بارور برای خاک باران به‌سوغات آوردند و زمین تشنه را سیراب کردند و تخمک آفتابگردان، که در زیر خاک بود و در جستجوی آب سیراب شد.

ولی تخمک آفتابگردان ما به این قانع نبود. تلاش میکرد و باز هم تلاش میکرد. او میخواست خودش را به خورشید برساند. بنا بر این جنب و جوش میکرد، ولی نتیجه نداشت.

گاهی با خودش میگفت: دیگر دیر شده، من هرگز نمیتوانم از این زندان سرد و تاریک خودم رانجات دهم، و آنوقت دلش میگرفت و اشکش سرازیر میشد.

باز هم چندی گذشت. زمستان سخت از راه رسیده، باران پاشیزی جایش را به برفهای سنگین داد. شاخه‌های بی‌برگ درختان از برف سنگین شدند و زیر بار آن سرخم کردند. غازها و لک‌لک‌هایی که از قافله یاران عقب افتاد بودند، دور هم جمع شدند و شور کردند و بالاخره تصمیم گرفتند در روزی گرم به سرزمینهای گرم بروند. خوشها به بچه‌های خود گفتند، که بازستان نمی‌شود در افتاد، باید به لانه‌های خود پناه برید و بخواهید تا زمستان، دشمن

شمسباز دست خالی از این سرزمین بگذرد و

و اما سنگینی برف برای تخمک آفتا بگردان بلای اضافی بود و تلاشهای او را برای بهرون آمدن از جای تنگ مشکل می کرده

کمی بزرگتر شده بود و به محیط غریبه عادت کرده بود و دیگر در غم دوری باران از دست داده اشک نمی ریخت و بلکه در این فکر بود که چه باید کند تا سختیها را پشت سر بگذارد، به آفتاب دست پیدا کند، جان بگیرد و خوشتر مزرعهای کوچک درست کند و

و آخر زمان مناسب رسید و بهار بساط زمستان را جمع کرد و زمستان هم با تمام قدرتش مجبور به عقب نشینی شد و خورشید به کمک زمین رسید، یخها کم کم آب شدند و آنها رود شدند

از لایه لای خاکها، اینجا و آنجا، گیاهان کوچکی سبز شدند و درختان بارور شدند و

تخمک آفتا بگردان در زیر خاک احساس گرما کرد و گرما به او نیروی فوق العاده ای داد و حرکت کرده تکان خورد و بالاخره آنقدر جنبید که گه از پوسته کودکی اش بهرون آمد و آنوقت به کندوکاو مشغول شد و

با دستانش شروع به عقب ردن خاک و پیدا کردن روزه ای کرد و سرانجام با تلاش زیاد راهی باز کرد و چشمش به نور خورد و

اول نور خورشید چشمهایش را زد و پس از آنجه تاریکی این نور برایش زیادی بوده وقتی توانست کم کم اطراف خود را به بیند، گیاهان کوچکی را اطراف خود دید، کبر شاد و خندان همدیگر را برانداز میکنند و درختهای بزرگ و تنومند، که تازه از خواب بیدار شده اند، خمیازه میکشند و بهمین به خیر میگویند و گنجشکها با سروصدای خودشان قیامتی برپا کرده اند و

مرغ سقا اینجا و آنجا می پرد و کبوترها برای ساختن آشیانه کوشش میکنند و خلاصه همه دست بکاری هستند و

و در این میان گل بنفشه ای، که در همان نزدیکی بوده، به آفتا بگردان گفت

آی رفیق، مثل اینکه اینجا غریبه هستی و اسمت چیه، از کجا میای؟

و او هم با فرور گفت: آفتا بگردانم و از سرزمینی دور، از یک سرعه بهسه اینجا آمده ام. - تو خودت به اینجا آمدی؟ نه جانم، طوفان مرا آورده

- طوفان؟ غب تا بحال کجا بودی؟ - زیر خاک و - بطوری زنده ماندی؟ - اولاً تلاش کردم، ثانیاً خیلی ها کمک کردند و - مثلاً؟ - خاک بمن غذا

داد، گرم کرد و باران به من آب داد و از همه مهمتر خودم با ایمن

دستهایم آنقدر کندم و کندم تا توانستم از توی زندان بهرون بیایم و

— حالا که تو غریبه‌ای، تنهایی چکار میکنی؟ — هنوز باید فکر کنم. —
 بنفشه کوچک از حرف زدن خسته شد، سرش را پاشین انداخت و مشغول چسرت
 زدن شد.

بالاخره دوستانی پیدا کرد. با آنها گاهی حرف میزد و درد دل میکرد، تا
 آنجا که غم گذشته را از یادبرد. دیدن خورشید برایش خوشحالی بهمراه
 میآورد. نور او تنش را گرم میکرد، به او قدرت میداد، که بزرگ و بزرگ
 شود. طولی نکشید که از میان برگ سبز و زیبای او غنچه‌ای سر بیرون کرده
 و این غنچه به گلی زرد و زیبا تبدیل شد، گلسی که عاشق خورشید است
 و دل‌باخته او و هرگز نمیتواند چشم از او برگیرد.

این تخمک کوچک به گلی قشنگ و زیبا، مفرور و سر بلند تبدیل شد، برپسا
 ایستاد و منتظر موقعیت مناسبه که زمین را پر از تخم‌های کوچک کند.
 و این زمان هم رسید. آفتابگردان بارهای خود را بسختی تحمل میکرد.
 در زیر این همه سنگینی پشت خم کرده بود، ولی بازم عاشقانه به خورشید
 نگاه میکرد، تا اینکه تک‌تک و دانه دانه بارها به زمین ریخت و باز هم
 خاک کسک کرد و حافظ این تخمک‌های کوچک و ظریف شد.

سال بعد، در سرزمین غریبه مزرعه‌ای از گلهای آفتابگردان درست شد، که
 رو به خورشید برپا ایستاده بودند، در گوش هم آهسته صحبت میکردند و به
 تهمسخر درخت‌های تنومند لبخند می‌زدند.

خلق آنگولا پیروز میشود

کیهان ۱۴ دی ۱۳۵۴

نیویورک - خبرگزاری فرانسه - روزنامه معتبر «کریسچن ساینس مانیتور» دیروز اعلام کرد که هم اکنون ۴۰۰ آمریکائی در جنگ داخلی آنگولا علیه «ملا» می‌جنگند.

مصاحبه خبرنگار "نشریه خبری سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بخش برلن غربی"

سلسله مزدوران آمریکائی در آنگولا واره جنگ شدند

روزنامه ژوهانسبورگ ستاره امروز نوشت: سلسله نفر از مزدوران آمریکائی بر جنگ فیلدلیپی آنگولا در صفوف اویتا و فلا خدمت میکنند و باید انتظار داشت که هر روز های آینده عده دیگری از مزدوران آمریکائی وارد آنگولا شوند.

روز ۱۵ دسامبر ۱۹۷۵ در جلسه ای که برای همبستگی با خلق آنگولا در دانشگاه برلن غربی تشکیل شده بود، نمایند خلی آنگولا پیرامون شرایط و موقعیت نظامی و سیاسی این کشور ابتدا توضیحات مفصّلی داد و سپس به پاسخگویی به پرسشها پرداخت.

خبرنگار "نشریه خبری" که در این جلسه حضور داشت چند سوال کتبی مطرح کرد که نماینده جمهوری آنگولا به آنها پاسخ گفت.

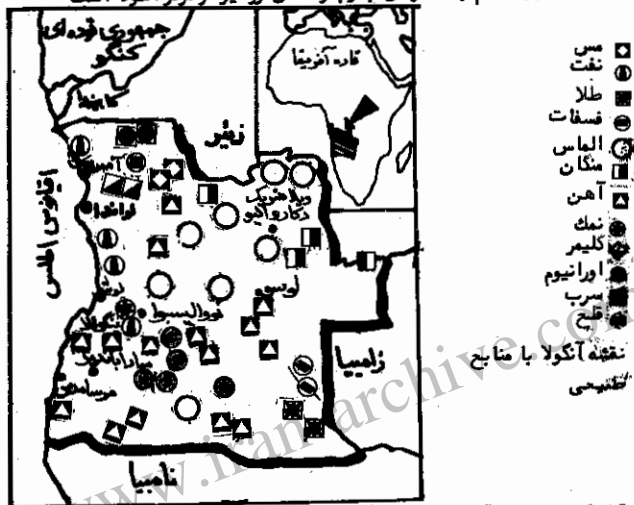
اطلاعات ۱۵ آذر ماه ۵۴

س. - در مطبوعات سرمایه داری و مائوئیستی ادعا میشود که کوبا "اویتا" و "اف.ا.ا. ال.آ.ا." از سازمانهای آزادیبخش ملی میباشند. در پکنیک روند شاو "شماره ۳۹ سال ۷۵ میاید که "هرسه سازمان آزادیبخش ملی در آتش مبارزه برای رهائی ملی بوجود آمدند و سهم خود را در مبارزه علیه حاکمیت استعماری پرتغال و برای آزادی آنگولا ادا نمودند نظر شما در این باره چیست؟"

ج. - امروز دیر ماهیبت "اف.ا.ا.ا. ال.آ.ا." برای همان روشن است. هولدن ریتو، رهبر این سازمان از سال ۱۹۶۱ بوسیله "کندی" و سازمان جاسوسی "سیا" انتخاب شد تا رابط بین امریکا و گروه های داخلی آنگولا باشد. در نظری نظامی این گروه تنها اقلیت کوچکی انگولائی هستند و بقیه در درجه اول از "ژئیر و همچنین پرتغالی هائی که برای "پیده" - سازمان جاسوسی سابق پرتغال - (همزاد ساواک) کار میکردند و یا در ارتش مستعمراتی سابق پرتغال میجنگیدند و نیز مزدوران کونلون دیر میباشند. از "مدارک" "پیده" اسنادی یدست آمد که نشان میدهد این گروه با مقامات مستعمراتی پرتغال همکاری داشته است.

ماهیت گروه "اویتا" نیز بر همان روشن است. باین سازمان حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی و امریکا کمک میکنند. این گروه پس از سرنگونی رژیم فاشیستی "کایتانو" در پرتغال تنها ۷۰۰ نفر عضو داشته است. حمایت امپریالیستها از این دو سازمان برای حفظ منافعشان در این سرزمین میباشد. آنها هنوز استخر نفت "کاپیندا" را در شمال در اختیار دارند. باید خاطر نشان ساخت که نفت آنگولا بیش از کوبت است. امپریالیستها تمام معادن آهن "کاسینگا"

را غارت کرده و معادن الماس و سایر معادن سرزمین زرخیز آنگولا را تحت اختیار خود گرفته اند و حاضر نیستند به آسانی این همه منبع منافع را از دست بدهند .
استراتژی امپریالیسم جدا کردن جنوب و شمال زرخیز از مرکز آنگولا است .



نقشه آنگولا با منابع طبیعی

س- "پکنیک روند شاو" در نشریه پیشگفته مورخ ۲۰ سپتامبر وحدت ۳ سازمان "ام-پ-ان-آ-اف-ان-ال-آ-و" اونیتا" را توصیه میکند و ادعا میکند که این اختلافات منشا قبیله ای دارند که بوسیله شوروی تحریک شده است . آیا این ادعا حقیقت دارد ؟

ج- خلق آنگولا برهبری "ام-پ-ان-ال-آ"

مانند خلق ویتنام برای آزادی استقلال و ترقی اجتماعی مبارزه کرده و میکند . آیا میتوان از منافع خلق دفاع کرد و در همان حال با دشمنان خلق و دست نشانندگان امپریالیسم برخوردت رسید ؟ مگر جنبش‌رهای بخش ویتنام با رژیم "تیو" وحدت کرد ؟

س- پکن در مقاله "مسئله مبارزه با استعمار" در نشریه "پکنیک روند شاو" در شلا ۴۰ بتاريخ ۷ اکتبر پس از حمله پکمک های شوروی بخلق آنگولا ادعا میکند که چین از همان آغاز جنگهای رهای بخش بهر ۳ سازمان کمک های نظامی مکرده و همچنان نیز میکند . آیا شما آنها تأیید میکنید ؟ اصولاً چه کشورهایی بشما کمک

میبندند و این کمک ها چه نوع هستند .

ج - در باره کمک جمهوری توده ای چین باید بگویم که این کشور متاسفانه فقط به " اف - ان - ال - آ کمک کرده و میکند . علتش را باید از خود آنها پرسید . ولی ما امید داریم که خلق و دولت جمهوری توده ای چین ، که در گذشته دارای سنن انقلابی درخشانی بوده ، در آینده بار دیگر در کنار خلقهای جهان علیه امپریالیسم قرار گیرد . دیگر اینکه ما همیشه از کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی جهان کمک میذرفتیم . البته پس از حمله شدید نیروهای دولت نژاد پرست افریقای جنوبی پرتغالی ژنرال و مزدوران سفید پوست و سازمان جاسوسی آمریکا ، در مقابل تقاضا بدون هرگونه قید و شرط ما ، کشورهای سوسیالیستی پاسخ مثبت دادند و بر میزان کمک های خود افزودند .

س - آیا در ارتش خلق آنگولا سربازان خارجی هم میجنگند ؟

ج - خیر . در ارتش خلق آنگولا سرباز خارجی وجود ندارد ، فقط رفقای کارشناس کوبایی ، آنهم برای تعلیم و استفاده سربازان ارتش خلق آنگولا از اسلحه های دریافتی به ارتش انقلابی یاری می رسانند . در اینجا باید تأکید کنم که جنگ امروز آنگولا جنگی است که خلق آنگولا برهبری " ام - پ - ال - آ " علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا میکند و تا پیروزی قطعی و نهائی و کامل خلق ادامه خواهد یافت .
(این گفتگو با رفیق کامپینوس اف - لوئیس " انجام شد)



انترناسیونالیسم در عمل

فیدل کاسترو در سخنرانی خود به اظهارات رئیس جمهور آمریکا ، فورد ، اشاره کرد که گفته بود کمک های کوبا به آنسگولا .
افق بهبود مناسبات میان کوبا و ایالات متحده آمریکا را دستور میکند .

کاستروس اظهار داشت : " پس معلوم میشود که ایالات متحده آمریکا عقیده دارد که ما بخاطر بهبود مناسبات با آمریکا موظفیم از اصول انقلابی

صرف نظر کنیم و ولی ما هرگز از همبستگی با خلق آنگولا دست نخواهیم برداشت و به مبارزه آن علیه تجاوز جمهوری آفریقای جنوبی و دیگر نیروها امپریالیستی همواره کمک خواهیم کرد" و

کاسترو خاطرنشان کرد: "انقلاب کوبا همواره از سیاست همبستگی با رهاشی بخش ملی خلقهای آفریقا پیروی کرده است و خشم جنون آمیز امپریالیستها از آنجاست که نتوانسته اند نقشه اشغال آنگولا را تا یازدهم نوامبر (۱۹۷۵) روز اعلام استقلال آنگولا، اجراء نمایند" و کاسترو با صدای پرخاشجیو گفت: "منابع طبیعی آنگولا: معادن سنگ آهن، مس، الماس و نفت انگیزه هائی هستند، که امپریالیستها را به اشغال این سرزمین تحریک میکند و دولت آمریکا برای اجرای این نقشه ارتش رژیم نژادگرای آفریقای جنوبی را به آنگولا گسیل داشته، رژیمی که مورد تندر و انزجار همگان است و از طرف تمام جنبشهای مترقی جهان و سازمان ملل متحد محکوم شده است و

ولی امپریالیستها در محاسبه خود دچار اشتباه شدند و آنها همبستگی بین المصلی و کمک جنبشهای انقلابی و متوقسی، پشتیبانی کشور های سوسیالیستی، و از جمله کوبا و جنبشهای مترقی آفریقا را بحساب دیارورندند"

کاسترو به سخنان خود ادامه داد و گفت: "کوبا در کمک به آنگولا هیچگونه هدف آزمودنهای ندارد و ما در آنجا نه در پی نفی نه مس و نه آهن هستیم. ما فقط وظیفه انترناسیونالیستی خود را بجا میآوریم و سیاستی را که مبنی بر اصول انترناسیونالیستی است اجراء مینمائیم. ما نمیتوانیم دستروی دست بگذاریم و ناظر بلعیدن این کشور آفریقائی از طرف جمهوری آفریقای جنوبی، که زامبیا، موزامبیک، جمهوری تونزه ای کنگو و تمام قاره آفریقا را تهدید میکند، باشیم و

ولی قاره آفریقا با قاطعیت از "ام پال ۲" پشتیبانی میکند و هر روز تعداد بیشتری از دول آفریقائی ابراز تمایل میکنند که نیرو و تسلیحات برای کمک به میهن پرستان آنگولا بفرستند و

در این مبارزه کوبا همواره با خلقهای آفریقا در یک جبهه خواهد بود"



* لا را آ لند ه
 د ا ر و د س ت ه م ا ث و ر ا
 م ح ک و م م ی ک ن د *

لا را آ لند ه ، وکیل سابق مجلس ملی و خواهر رئیس جمهور شهید شهبلی در یک مصاحبه مطبوعاتی در سان خوزه (کوستاریکا) پشتیبانی دولت چین را از رژیم فاشیستی پینوشه محکوم کرد .
 او از جمله چندین گذت % گروه ماژو بطور آشکار با کالا و اسلحه با مرجع ترین دولت ها همکاری می کند . این سیاست نه تنها در قطب مخالف سیاست کشورهای سوسیالیستی است که هرگونه مناسبات را با خودتای نظامی قطع کرده اند، بلکه حتی با سیاست برخی از کشورهای سرمایه داری نیز، که حسن رابطه ای با رژیم پینوشه ندارند، مفایرت دارد .



"دو سال در بازداشتگاه مرگ در شیلی"، اثر مایگول لاونر Miguel Lawner
 آرشیف شیلی ای که اخیرا از بازداشتگاه مرگ ریترگوئه Ritoque خلاص شده است
 مجموعه ای از آثار او را کمیته همبستگی ضد امپریالیستی به قیمت ۱۵ مارک
 آلمان فدرال انتشار داده است . سفارش خود را از مجموعه "Zwei Jahre in ch-
 deutschen KZ" به آدرس ASK 6 Frankfurt/M ارسال کنید .
 Eichwaldstr. 32 W-Germany

آرمان و خوانندگان

احمد امیربا - در نامه خود مینویسد " در شماره ۴ تیرماه مجله " دانشجو " آمده که آرمان در شعر " دژخیم فلید تحریف بعمل آورده است. آیا این مطلب صحیح است؟ "

آرمان : در شماره ۲ آرمان (اردیبهشت ۵۴) ، سرود دژخیم فلید را که توسط یکی از دوستان ما رسیده بود چاپ کردیم. چاپ این سرود از آن جهت انجام شده، چون هئیت تحریریه آرمان محتوی سرود را همگام یعنی افشاگرانه و پیکار جو با خط مشی عمومی آرمان تشخیص داد. آرمان نمیتواند هیچگونه نظری در مورد "اصیل بودن" و یا مورد "تحریف" واقع شدن این سرود بدهد.

مرتضی آلمان : مینویسد که ضمیمه آرمان شماره ۱ و ۲ تاکنون بایشان نرسیده است. آیا حواله بانکی من تاکنون بشما رسیده است.

آرمان : علت نرسیدن نشریات در خواستی بهمان نحو است که شما در نامهتان ذکر کرده اید. ما از کجا میبایست میدانستیم که شما نشانی اشتباهی بهما داده اید. کمک مالی شما تاکنون بهما نرسیده ولی این دلیل واریز نشدن بحساب ما نیست. منتظر اگهی بعدی باشید.

محمد حسین : مینویسد " خدمت برادران و نجات دهندگان خلق استعمار شده ایران سلام عرض میکنم. امیدوارم در هدف خود پیروز شوید و اینجانب هم موفقیت شما را از خداوند خواهانم. ما یلم از نشریه شما که بنام آرمان است استفاده کنم. توضیح دهید که در چه شرایطی میتوان آن را بدست آورد و ماهانه چقدر پول باید بپردازم. "

آرمان : از دریافت نامه پر محبت شما خرسندیم. برای نائل شدن به هدف مشترک باید در وحله نخست این رژیم ضد مردمی و آدامکش را که بمثابه ترمزی در مقابل پیشرفت بجلو است با مبارزه متحد و متشکل تمام نیروهای راستین ضد رژیم و ضد امپریالیست سرنگون ساخت.

برای دریافت نشریات " د پیر غلنه خارجی سازمان جوانان و دانشجو دمکرات ایران " دو شرط لازم است. نخست آنکه ما نشانی شما را در اختیار داشته باشیم که انجام شده است. دوم توانائی مالی ما که آن نیز بهمت کمک مالی شما دوستان بستگی دارد که آنرا میتوانید

با نام مستحار به شماره بانکی ما که در پشت مجله درج شده ارسال دارید. قیمت آرمان و ضمیمه های آن برابر نیم مارک آلمان غربی است. نامه سوم شما که حاوی ۴ پوند بود رسید. نشریات با درس شما ارسال شده و امیدواریم که تا کنون آنها را دریافت کرده باشید.

ساشا :

مؤسسه نشریاتی پل روغن شتاین دانستون

مکتب گفین

مهمان این آقایان



را به زبان فارسی تقدیم می‌دارد.

M. A. Sobich A/n
Gast bei diesen Herren

Holt-Rugens in Verlag

مهمان این آقایان را بخوانید
و خواندن این اثر پرسیده در
و امیدبخش را بدوستان خود
توصیه کنید • برای شناسائی
بیشتر این کتاب به معرفی آرمان
شماره ۱۰۰ آدیماه ۱۳۵۴ مراجعه
کنید •

کمک های رسیده

نهد : ۱۰۰ مارك
ساشا : ۴ پوند
۹۸ : ۵۰ مارك

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران شماره بانکی

G. Sobich
Kreissparkasse Recklinghausen
Fil. Dorsten-Holsterhausen
Girokonto 1656974

آدرس پستی
Gustav Sobich
Friedenau 3
4270 Dorsten 3
West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran
Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries